

بخش مطالعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران - مسکو

در منطقه آسیا و اقیانوسیه بتدریج یک نوع «قوس بی‌ثباتی» از کره شمالی، از طریق تنگه تایوان و مالاکا و اقیانوس هند تا خلیج فارس شکل گرفته است. در همین منطقه منافع کلیدی ملی ایالات متحده، چین، ژاپن، هند و استرالیا با هم برخورد می‌کند. اگر احتمال آغاز مبارزه بر سر کنترل راه بزرگ جدید ابرشم نیز در نظر گرفته شود، قوس بی‌ثباتی می‌تواند به دایره بی‌ثباتی تبدیل شود. مقاله زیر که حضور آمریکا در اقیانوس هند، وضعیت ژاپن، امکانات و فعالیتهای نظامی چین، هند و استرالیا را مورد بررسی قرار می‌دهد سیاستهای امنیتی این قدرتهای مهم جهانی را نیز در کنار آن مطالعه می‌کند.

در نتیجه اجلاس سران سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه که در اکتبر سال ۲۰۰۳ در پایتخت مالزی برگزار شد، ناظران سیاسی به این نتیجه رسیدند که منطقه اقیانوسیه وارد مرحله رشد و اعتلای سریع شده است.^(۱) این اظهارات عاطفی، واکنش کاملاً طبیعی در برابر تقویت نقش منطقه آسیا و اقیانوسیه در صحنه سیاسی جهانی است که همه قدرتهای مهم جهانی در آن شرکت می‌کنند. این گرایش در بُعد جهانی در مقایسه با کاهش تشنجات در اروپا (و حاشیه‌نشینی معین مناطق آفریقا و آمریکای لاتین در صحنه سیاسی جهان) به‌ویژه به چشم می‌خورد.

پیشرفت سریع چین در همه زمینه‌های فعالیت دولتی که طی ۱۰ سال اخیر مشاهده شده است، عامل مهم ارتقای سطح مشارکت و نفوذ منطقه آسیا و اقیانوسیه در امور جهانی شده است. طبق پیش‌بینی‌هایی، جمهوری خلق چین می‌تواند ظرف ۲۰-۳۰ سال آینده از نظر توان جمعی ملی به ایالات متحده، تنها ابرقدرت جهان کنونی برسد که این مسئله در آن سوی اقیانوس آرام به عنوان مهمترین چالش برای منافع «حیاتی» آمریکا در منطقه آسیا و اقیانوسیه تلقی می‌شود.

از سوی دیگر، اهمیت ژاپن، استرالیا و هند افزایش می‌یابد که می‌توانند به تعبیری، در رده «قدرتهای درجه دوم» گنجانده شوند. (فهرست شناخته شده کشورهای عضو منطقه آسیا و اقیانوسیه وجود ندارد ولی اگر هند جزو کشورهای این منطقه شمرده نشود، نمی‌توان از عوامل اساسی اوضاع نظامی و سیاسی منطقه برداشت واضحی به دست آورد).

یک رشته عوامل خالص اقتصادی موجب رشد اهمیت منطقه آسیا و اقیانوسیه در امور جهانی می‌شود. از جمله می‌توان به اهمیت کلیدی عامل نظارت بر منابع اساسی مواد انرژی‌زا اشاره کرد که عمدتاً در خاور نزدیک و میانه و در آسیای مرکزی تولید می‌شوند. در حال حاضر نفت و گاز تا اندازه زیادی از راه آبی، در خلیج فارس و از طریق تنگه‌های مالاکا و تایوان به کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه انتقال داده می‌شود. عامل مهم دیگر، طرح احیای مسیر زمینی آسیایی است که تا اندازه‌ای به راه بزرگ ابریشم شباهت دارد

نه تنها ادعاهای متقابل نهان و آشکار بلکه لاینحل بودن بعضی مسایل داخلی، باعث پیچیدگی اوضاع سیاسی منطقه آسیا و اقیانوسیه می‌شود. از میان مسایل دسته دوم می‌توان به جدایی طلبی اشاره کرد که گاهی به مبارزه مسلحانه می‌انجامد. در این شرایط کشورهای منطقه به جنبه نظامی دفاع از منافع ملی خود توجه خاصی می‌کنند. در حالی که رکود هزینه‌های نظامی در اروپا مشاهده می‌شود، رشد تأمین مالی امور دفاعی در کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه چشمگیر به نظر می‌آید.

چین

عامل چین به عنوان علت تغییر جهت‌گیری بردار منافع نظامی - سیاسی ایالات متحده در منطقه آسیا و اقیانوسیه.

نظر نسبتاً یکسان تحلیلگران خارجی این است که حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به روند تبدیل منطقه آسیا و اقیانوسیه به مرکز منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی ایالات متحده سرعت بخشیده است. در حال حاضر، ایالات متحده تنها ابرقدرت جهانی است که با استفاده از «توان

ملی» جمعی خود می‌تواند بر اوضاع سیاسی هر منطقه جهان اثر قابل توجهی بگذارد. از تجزیه و تحلیل اسناد رسمی وزارت دفاع آمریکا طی چند سال اخیر می‌توان نتیجه گرفت که واشنگتن، جمهوری خلق چین را مهمترین منبع خطرات بلندمدت برای منافع خود تلقی می‌کند.

مجموعه روابط بین ایالات متحده و جمهوری خلق چین، محتوای اصلی مبارزه سیاسی در منطقه آسیا و اقیانوسیه را تشکیل می‌دهد. بعد از روی کار آمدن دولت جمهوریخواه آمریکا، چین در سطح رسمی از «شریک راهبردی» (به تعبیر نمایندگان حزب دموکرات) به «رقیب راهبردی» و منشاء چالش‌ها برای منافع کلیدی ایالات متحده تبدیل شده است. همه کشورهای منطقه و از جمله بازیگران بزرگی چون ژاپن، استرالیا و هند، به مدار روابط آمریکایی - چینی کشانده می‌شوند.

در حال حاضر «مسئله تایوان» در مرکز اختلافات میان واشنگتن و پکن قرار دارد. در گزارش وزارت دفاع آمریکا که در تابستان سال ۲۰۰۲ منتشر شد (این سند اوضاع کنونی و دورنمای توسعه نیروهای مسلح چین، جایگاه نیروهای مسلح در سیستم ابزار دولتی دفاع از منافع ملی و نحوه کاربرد احتمالی آنها را درست منعکس می‌کند)، آمده است که راهبرد چین در زمینه حل و فصل مسئله تایوان در حال حاضر و در آینده میان مدت بر اولویت روشهای صلح‌جویانه با شرایط مناسب برای پکن استوار است^(۲) در عین حال، نمایش توان فزاینده نیروی مسلح چین (از جمله در زمینه فن‌آوری‌های پیشرفته نظامی) عنصر مکمل مهم استدلالاتی است که ریاست چین حاضر است به طرف تایوانی و آمریکایی در جریان مذاکرات ارائه دهد. ولی تحلیلگران نظامی آمریکایی امکان پایان ناموفق روند تجدید اتحاد صلح‌آمیز چین و توسل جمهوری خلق چین به زور نظامی برای اشغال تایوان را منتفی نمی‌کنند. به عقیده آنها، این عملیات باید حداکثر ۲-۱ هفته طول بکشد تا نیروهای مسلح آمریکا فرصت نکنند مداخله کنند. این عملیات جنگی نباید حتماً بعد از پایان مدرنیزه‌سازی گسترده نیروهای مسلح چین انجام بگیرد. به گفته کارشناسان وزارت دفاع آمریکا، ریاست نیروهای مسلح چین هم اکنون موظف است هر آن برای اجرای این عملیات و دفاع از کشور در صورت شروع حمله نظامی

آمدگی داشته باشد. جهت‌گیری اساسی روند مدرنیزه کردن نیروهای مسلح چین، نشان‌دهنده ترک کامل راهبرد سابق «جنگ مردمی» است. در حال حاضر در چین نیروهای مسلح کوچکتر ولی مدرن و فعالی ایجاد می‌شود که از فن‌آوری‌های مدرن نظامی و روشهای جنگ اطلاعاتی (آمریکایی‌ها معتقدند که جنگ اطلاعاتی در چین باستان بوجود آمده بود) در عملیاتی تعرضی و دفاعی استفاده کنند.

روند مدرنیزه‌سازی نظامی بر تأمین مالی دولتی مبتنی است که وزارت دفاع آمریکا آن را برابر ۶۵ میلیارد دلار (سه برابر بیشتر از بودجه دفاعی اعلام شده) برآورد می‌کند. روسیه، منشاء مهم دریافت فن‌آوری‌های نظامی است. به عقیده کارشناسان آمریکایی، موفقیت روند مدرنیزه‌سازی نیروهای مسلح چین بدون همکاری با روسیه زیر علامت سؤال خواهد رفت. همچنین شرکت چین در روابط جهانی اقتصادی که دسترسی به تکنولوژی‌های مدرن دو منظوره را تأمین می‌کند، عامل مهم موفقیت چین است.

ایالات متحده در شرایط کنونی در روابط با رقیب اصلی ژئوپلیتیک خود از روش «چماق و هویج» استفاده می‌کند. از یک سو، آمادگی برای حمایت از تلاش‌های چین برای مدرنیزه کردن اقتصاد و شرکت در تقسیم بین‌المللی کار ابراز می‌شود. در سال ۲۰۰۰ رژیم کامله الوداد در تجارت با ایالات متحده به چین واگذار شد و ۱۱ دسامبر سال ۲۰۰۱ چین با مساعدت همه‌جانبه ایالات متحده به عضویت سازمان تجارت جهانی پیوست. برای چین به عنوان کشوری در حال رشد، مرحله انتقالی ۶-۷ ساله‌ای جهت تطبیق اقتصاد داخلی و روابط اقتصادی خارجی با شرایط سازمان تجارت جهانی در نظر گرفته شد. چین از این طریق نهایتاً در مسیر همگرایی با اقتصاد جهانی بازاری قرار گرفت که ایالات متحده رهبری آن را برعهده دارد.

از سوی دیگر، مقامات چین معتقدند که اکثر اقدامات اخیر آمریکایی در منطقه آسیا و اقیانوسیه هدف ایجاد یک نوع حلقه دورچین در چارچوب راهبر کلی بازدارندگی را دنبال می‌کنند که این فعالیت به محور تمام روند توسعه نظامی ایالات متحده مبدل شده است. این شبهات بیش از پیش در رابطه با انگیزه‌های حقیقی عملیات «ضد تروریستی» در افغانستان،

بازگشت ارتش آمریکا به فیلیپین و نفوذ نظامی ایالات متحده در کشورهای آسیای مرکزی بروز می‌کند.^(۳) نیروی دریایی ایالات متحده در عوض پایگاه‌های نظامی «سویک بی» و «کلارک» که در سال ۱۹۹۹ در فیلیپین ترک کرده بود، پایگاه‌های موقت جدیدی را در آب‌های ساحلی سنگاپور، استرالیا و زلاندنو بدست آورده است.

جنبه نظامی راهبرد آمریکایی بر نیروهای مسلح آمریکا استوار است. احتمال می‌رود که نظامیان آمریکایی برخی «مواضع مقدم» خود را در منطقه آسیا و اقیانوسیه ترک کنند تا از این طریق صرفه‌جویی مالی حاصل شود و از نارضایتی مردم محلی از حضور ارتش آمریکا کاسته شود. ولی فراموش نشود که یکی از اهداف اساسی مرحله جاری بازسازی نیروهای مسلح آمریکا، ارتقای قدرت تحرک این نیروها می‌باشد تا یگان‌های ارتشی هرچه سریعتر به مناطق مناقشات بالقوه منتقل شوند (انتظار می‌رود که چنین مناقشاتی در قسمت غربی اقیانوسیه و در آسیای مرکزی و جنوبی بروز کنند). در عین حال، همکاری و تعامل نظامی - سیاسی ایالات متحده با متحده سنتی آن در منطقه آسیا و اقیانوسیه (استرالیا، زلاندنو، ژاپن، فیلیپین، تایلند و کره جنوبی) و با کشورهایی که تا زمان اخیر نسبت به بازیگران اساسی در منطقه آسیا و اقیانوسیه بی‌طرف بودند (سنگاپور) یا حتی از ایالات متحده انتقاد شدیدی می‌کردند (مالزی و هند) گسترش می‌یابد. این همکاری چه از طریق نهادهای دفاعی (آموزش نیروها، خرید جنگ‌افزار و تبادل اطلاعات) و چه در زمینه روابط نظامی - فنی گسترش می‌یابد.

نخبگان آمریکایی که در مجموع اهمیت بالای منطقه آسیا و اقیانوسیه برای منافع ملی آمریکا را درک می‌کنند، احتمالاً در زمینه ارزیابی اولویت استفاده از ابزارهای مختلف دولتی جهت نفوذ در توسعه اوضاع منطقه‌ای در جهت صحیح، وحدت نظر ندارند. طرفداران گسترش روابط بازرگانی - اقتصادی با همه کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه خاطر نشان می‌کنند که «تشدید جلب ایالات متحده به امور آسیای جنوب شرقی همراه با دامن زدن هیستری سیاسی درباره گسترش خطر تروریستی در این منطقه مشاهده می‌شود».^(۴) برای مثال، در گزارش محرمانه اف - بی - آی (فوریه ۲۰۰۲) مالزی به عنوان یکی از پایگاه‌های عملیاتی اساسی

تروریست‌های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قلمداد شد. ولی بعد از فرار این اطلاعات به مطبوعات، این نتیجه‌گیری اغراق‌آمیز و مبتنی بر داده‌های ناقص اعلام شد. نمونه‌های «هیستری سیاسی» که در مطبوعات و از جمله در مجله «فارین افروز» آورده شده است، منعکس‌کننده نگرانی بخشی از محافل بانفوذ آمریکایی از سیاست دولت فعلی آمریکا است که در منطقه آسیا و اقیانوسیه بر روشهای زورگویانه تأمین منافع ملی آمریکا متکی می‌شود. آنها نگران «داغ شدن امپراتوری» هستند که این علت اصلی شکست همه مدعیان سابق رهبری جهانی بوده است.

بحث دربارهٔ حفظ حضور نظامی در «خطوط مقدم» در منطقه آسیا و اقیانوسیه، فقط یکی از نمونه‌های این گونه اختلافات در محافل آمریکایی است. گروهی که دیدگاه آنها در مجله «فارین افروز» منعکس می‌شود، معتقدند که تأکید بر برخورد قهری با تروریسم به معنی مبارزه با پدیده‌های ظاهری این بیماری است که باعث شفای آن نمی‌شود زیرا فقر و توسعه‌نیافتگی اقتصادی و اجتماعی کشورها، علت اصلی بروز اسلام‌گرایی افراطی است. همچنین مخالفت با تعبیر کسری بزرگ در تجارت با چین (بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال) به عنوان خطر برای رقابت اقتصادی جهانی یا نمونه شیوه بازرگانی ناجوانمردانه این کشور ابراز می‌شود. این گروه، اختلاف نظر اصولی درباره چین در میان محافل آمریکایی را به عنوان بزرگترین خطر تلقی می‌کنند زیرا عده‌ای چین را مانند سابق به عنوان شریک راهبردی تلقی می‌کنند در حالی که دیگران به این کشور با چشم حریف راهبردی می‌نگرند.^(۵)

به نظر می‌رسد که ایالات متحده و چین خطر تبدیل رویارویی جدید جهانی به مناقشه جنگی را درک می‌کنند. از همین رو است که آنها در زمان اخیر علاقه به از سرگیری روابطی که بعد از ملاقات سران دو کشور در اکتبر سال ۱۹۹۷ برقرار شده و بر اثر حادثه آوریل سال ۲۰۰۱ قطع شده بود، را از خود نشان می‌دهند تا بتوانند طیف وسیع مسایل نظامی و سیاسی را مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند. دیدار ماه مه سال ۲۰۰۱ هو جینتاو، معاون سابق رئیس‌جمهور چین و دبیرکل فعلی حزب کمونیست چین از ایالات متحده، برای این کار بهانه خوبی ایجاد کرد. این مذاکرات در کنفرانس سنگاپور (۳۱ مه - ۲ ژوئن ۲۰۰۲) که به ابتکار مؤسسه مطالعات

راهبردی لندن برگزار شد، ادامه یافت. در جریان این ملاقات سرتیپ «تسیان ماوهای» مدیر دفتر خارجی وزارت دفاع چین آمادگی نهاد خود را برای از سرگیری روابط نظامی اعلام کرد. وی در گفتگو با پیتر رادمن دستیار معاون وزیر دفاع ایالات متحده در پکن خاطر نشان کرد که به این منظور مذاکرات گسترده‌ای دربارهٔ مسایل تعامل دوجانبه نظامی لازم است.

پل وولفویتس معاون اول وزیر دفاع آمریکا، برگزاری این کنفرانس را به عنوان «آزمایش ابتکاری برای ایجاد نهادهای ضروری جهت مدیریت مسایل امنیت آسیا» ارزیابی کرد.^(۶) نمایندگان بلندپایه نظامی و غیرنظامی (از جمله وزیران) ایالات متحده، بریتانیا، ژاپن، کانادا، استرالیا، زلاندنو، کره جنوبی و اکثریت کشورهای آسیای جنوب شرقی در کنفرانس مذکور شرکت کردند. کارشناسان به شرکت همزمان بی‌سابقه نظامیان بلندپایه چین و تایوان در کنفرانس توجه کردند. برگزارکنندگان این کنفرانس می‌خواستند در منطقه آسیا و اقیانوسیه چیزی شبیه به اجلاس سالیانه نمایندگان محافل دولتی، دانشگاهی و کار اروپا و آمریکای شمالی در آلمان برای بررسی مسایل امنیت اروپا و آتلانتیک به وجود آورند. ظاهراً این برنامه‌ها عملی می‌شوند. در روزهای ۳۰ مه ۱ ژوئن سال ۲۰۰۳ همایش دوم برگزار شد که برای اولین بار وزیران دفاع فرانسه و هند در آن شرکت کردند.

ژاپن

روند «عادی‌سازی» ژاپن

رکود اقتصادی ده‌ساله‌ای که بر توان ملی ژاپن اثر منفی گذاشته است، در حال حاضر به وسیله برخورد واقع‌بینانه با مسایل امنیت ملی جبران می‌شود. این واقعیت درک شده است که دیپلماسی تک بُعدی مبتنی بر توان اقتصادی، جوابگوی واقعیات معاصر نیست و اینکه ژاپن بیش از این نمی‌تواند امنیت خود را «بخرد». ^(۷) یکی از بارزترین نمونه‌های اینگونه «خرید امنیت»، تأمین مالی ژاپنی عملیات آمریکایی «توفان در صحرا» در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۱ بود که در نتیجه آن نظارت بر منطقه حساس برای اقتصاد ژاپن احیا شد. نگاه مناسبتر به تاریخ اخیر

ژاپن و تلاش برای برطرف کردن میراث جنگ جهانی دوم که بر ژاپن و همسایگان آن سنگینی می‌کند، جنبه مهم راهکارهای جدید را تشکیل داده است. این تحول اصولی در افکار عمومی باید شخصیت‌های دولتی جدیدی را تربیت کند که جای «مثلث آهنینی» (سیاستمداران نسل سابق، بروکرات‌ها و تجار) را که صحنه مبارزه در راه منافع خودخواهانه شده است، بگیرند.^(۸)

کارشناسان ژاپنی، رشد سریع توانمندی‌های چین، اوضاع شبه جزیره کره و به اصطلاح مسئله «اراضی شمالی» را به عنوان منشاء اساسی خطر تلقی می‌کنند. تمام کره (و نه تنها کره شمالی با خطرات موشکی و هسته‌ای آن) به خاطر مبهم بودن عواقب تجدید اتحاد اجتناب‌ناپذیر دو قسمت این کشور تجزیه شده، به عنوان منشاء خطر تلقی می‌شود. اکنون پیمان مبانی مناسبات بین ژاپن و کره جنوبی سال ۱۹۶۵ را نتیجه شرایط جنگ سرد و نه نیازهای حقیقی دو کشور محسوب می‌کنند. تاکنون روابط بین ژاپن و کره جنوبی فراز و نشیب‌های زیادی داشته است که این نتیجه رشد ملی‌گرایی ضدژاپنی در کره جنوبی بود. ژاپن مایل است همراه با روسیه در مذاکرات پیرامون مسئله کره شرکت کند زیرا شکی نیست که علاوه بر دو دولت کره‌ای، ایالات متحده و چین در این مذاکرات نقش اساسی را بازی خواهند کرد.^(۹)

تعبیر فعلی ماده ۹ قانون اساسی ژاپن که مانع از اجرای عملیات نیروهای مسلح ژاپن در خارج از مرزهای ملی می‌شود، از شرکت فعال ژاپن در امور بین‌المللی ممانعت می‌کند. تحلیلگران خارجی هم عقیده هستند که تبدیل ژاپن به بازیگران «عادی» بین‌المللی فقط در نتیجه تجدید نظر در این ماده (و برخی موارد دیگر) قانون اساسی یا پذیرش تعبیر جدید آن توسط جامعه ژاپنی امکان‌پذیر خواهد شد.

در فوریه سال ۲۰۰۰، ماهها قبل از اعمال تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بحث در این مورد در کمیته‌های تخصصی مجلسین پارلمان ژاپن شروع شده بود. کارشناسان ایالات متحده آغاز این مباحثه را به عنوان درک «تغییرات در سیستم عوامل خارجی امنیتی» و مرحله مهم روند ده‌ساله (بعد از پایان جنگ سرد) تبدیل ژاپن به دولت «عادی» تعبیر می‌کنند. به عقیده آنها، در این صورت ائتلاف نظامی-سیاسی ایالات متحده و ژاپن از تساوی بیشتری برخوردار خواهد شد.

زیرا فعلاً ایالات متحده مطابق با پیمان امنیت دوجانبه سال ۱۹۶۰ نقش رهبری را در این ائتلاف بازی کرده و امنیت ژاپن را تضمین می‌کند. شرکت ژاپن در عملیات حفاظت از صلح سازمان ملل در کامبوج در سال ۱۹۹۲، سرآغاز ارتقای نقش نیروهای ژاپنی دفاع از خود در سیستم ابزار سیاسی کشور شده بود. در سال ۱۹۹۷ در چارچوب آژانس دفاع از خود اداره اطلاعات نظامی و در سال ۱۹۹۸ اداره برنامه‌ریزی راهبردی ایجاد شد. آژانس در زمینه دیپلماسی نظامی هم فعال‌تر شده و به تبادل هیأت‌های نمایندگی با کشورهای خارجی، رزمایش‌های مشترک نظامیان، شرکت در گردهمایی‌های بین‌المللی نهادهای دفاعی و غیره پرداخته است.

با این حال، ما فعلاً فقط شاهد آغاز تحولات در سیاست نظامی ژاپن هستیم که نمی‌توان با اطمینان گفت این روند چگونه ادامه یافته و بر چگونگی همکاری نظامی بین ژاپن و ایالات متحده آمریکا چه اثری خواهد گذاشت. این امر تا اندازه زیادی به موضعگیری ایالات متحده نسبت به مسایل آسیا بستگی دارد که همانطور که در فوق اشاره شد، در محافل بانفوذ آمریکایی بحث در این مورد همچنان ادامه دارد.^(۱۰) مسئله امتناع ژاپن از «صلح دوستی» دوران بعداز جنگ جهانی دوم نیز، قابل بحث است^(۱۱). روابط با جمهوری خلق چین که دربرگیرنده همکاری و رقابت است. برای اندیشه سیاسی ژاپن از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار می‌شود. روند فعلی اصلاح نظامی سیاسی کشور و آزادسازی بیشتر اقتصادی ژاپن، ازجمله عوامل داخلی هستند که تحولات در زمینه سیاست خارجی را تعیین خواهند کرد.^(۱۲)

با این وجود، کارشناسان مباحثات در پارلمان ژاپن پیرامون تجدیدنظر در ماده ۹ قانون اساسی را به عنوان «تحول دراماتیک در تفکر ژاپن» تلقی می‌کنند. این تغییرات در تفکر سیاسی ژاپن می‌تواند زمینه‌ساز افزایش شرکت نیروهای مسلح ژاپن در عملیات جنگی بین‌المللی شود. هم‌اکنون بودجه دفاعی ژاپن (۴۲ میلیارد دلار) سومین بودجه نظامی بزرگ جهان است و نیروی دریایی ژاپن از نظر توان کلی در مقام دوم بعداز نیروی دریایی آمریکا قرار دارد. فرض بر آن است که حل و فصل مسایل داخلی ذیل، نشان‌دهنده «عادی‌سازی» نظام دولتی ژاپن خواهد شد:

- تدوین یا تعبیر جدید ماده ۹ قانون اساسی ژاپن؛
- انتخابات مستقیم نخست‌وزیر و افزایش نقش و مسئولیت وی در زمینه نیروهای ژاپنی
دفاع از خود؛

- تغییر نام آژانس نیروهای دفاع از خود به وزارت دفاع؛
- بازسازی عمیق اقتصاد و سیاست کشور بر اساس توافق عمومی احزاب اساسی سیاسی؛
- کاهش نظارت قانونگذاران بر عملیات حفاظت از صلح؛
- افزایش هزینه‌های دفاعی تا سطح بالای ۱٪ تولید ناخالص ملی؛
- ورود ژاپن به جمع اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد؛
- تجدیدنظر در تاریخ جنگی خود؛

- افزایش نقش دولت مرکزی در فعالیت ارگانهای محلی قدرت در شرایط فوق‌العاده.
پیشرفت قابل توجه روند «عادی‌سازی» ژاپن در اعزام ناوهای جنگی ژاپن به اقیانوس هند
در چارچوب عملیات «ضدتروریستی» آمریکا مشاهده شده است. کمی زودتر (در یوگسلاوی)
آلمان نیز همین «پیشرفت» را از خود نشان داده بود. آلمان و ژاپن متحدان جنگ جهانی دوم
بودند که شکست آنها در آن جنگ باعث «غیرعادی» شدن آنها برای مدت ۵۰ سال شده بود. (۱۳)

استرالیا

استرالیا، یکی از متحدان اصلی ایالات متحده
افزایش نقش استرالیا در سیستم روابط نظامی - سیاسی در منطقه آسیا و اقیانوسیه
از جمله در شرکت فعال این کشور در عملیات نیروهای مسلح آمریکا در افغانستان مشاهده شده
است. این کشور برای اولین بار بعد از امضای پیمان «انزوس» (استرالیا، زلاندنو، ایالات متحده)
واحدهای نیروهای مسلح خود را در چارچوب تعهدات قراردادی برای حمایت از عملیات جنگی
ایالات متحده اعزام کرد. (۱۴)

اوایل سال ۲۰۰۲ در افغانستان واحد ویژه هنگ هوآبرد استرالیایی با پشتیبانی چند

جنگنده، هواپیماهای اطلاعاتی، دو ناو و کشتی‌های باری نیروی دریایی فعالیت می‌کردند. ۱۵۰۰ نفر سرباز استرالیایی، هسته نیروهای حفاظت از صلح سازمان ملل در تیمور شرقی را تشکیل می‌دهند. نیروهای استرالیایی همین وظیفه را در بوگنویل و جزایر سلیمان نیز اجرا می‌کنند. نیروهای استرالیایی در عملیات حفاظت از صلح سازمان ملل در تیمور شرقی در سال ۱۹۹۹، نقش کلیدی را بازی کردند.^(۱۵) موفقیت این عملیات به ریاست آمریکایی نشان داد که می‌تواند از این به بعد نیز از استرالیا برای ایجاد شرایط نظامی - سیاسی مناسب برای ایالات متحده استفاده کرد. بودجه نظامی سال ۲۰۰۳ استرالیا برابر ۷،۹ میلیارد دلار بوده و از سال قبل ۵٪ افزایش یافته بود. این بودجه نظامی از جمع هزینه‌های نظامی اندونزی، مالزی، فیلیپین و تایلند، کشورهای بزرگ دیگر آسیای جنوب شرقی بزرگتر است. در حال حاضر نیروهای مسلح استرالیا ۵۱ هزار نفر نظامی دائمی و ۲۰ هزار نفر نیروی احتیاطی دارد.

بینش جایگاه استرالیا در منطقه آسیا و اقیانوسیه و جهات اساسی توسعه نظامی این کشور ظرف ۵ سال آینده در «کتاب سفید» سال ۲۰۰۰ وزارت دفاع تشریح شده است.^(۱۶) روبرت هیل وزیر دفاع استرالیا در تفسیر مواد اساسی این سند تأکید کرد که چالش‌های جدید امنیتی، مخارج بی‌سابقه دفاعی را ایجاد می‌کند. دولت در صدد است بازسازی صنایع دفاعی داخلی را عملی کند و به منظور افزایش فن‌آوری‌پذیری این صنعت، بخشی از واحدهای آن را خصوصی‌سازی کند. به گفته هیل، در توسعه نظامی استرالیا توجه خاصی به هماهنگی با اعضای اساسی ائتلاف ضد تروریستی و بخصوص ایالات متحده مبذول می‌شود.

در کتاب سفید سال ۲۰۰۰، تعاون نظامی آمریکایی - استرالیایی به عنوان پایه و اساس امنیت کشور تعبیر شد.^(۱۷) در شرایط رشد فشار بر نیروهای مسلح نسبتاً کوچک استرالیا، محافل این کشور از سال ۱۹۹۶ به مباحثه در جامعه کارشناسی آمریکایی درباره نظریه «انقلاب در امور نظامی» و تطبیق آن با شرایط محلی توجه بیشتری کردند. در کتاب سفید سال ۲۰۰۰ از جمله آمده بود: «ائتلاف ما با رهبر جهانی (ایالات متحده) در زمینه فن‌آوری‌های جدید و بخصوص ارتباطی و اطلاعاتی، برای تأمین دسترسی ما به این فن‌آوری‌ها اهمیت حیاتی دارد».

اهمیت تکنولوژی‌های اطلاعاتی در امور نظامی استرالیا به شدت افزایش یافته است. هزینه‌های مربوطه در مقام سوم در برنامه افزایش امکانات دفاعی در سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ نهاده شده است. (۲/۵ میلیارد دلار). این مبلغ با اختصاصات مالی برای افزایش توان رزمی نیروی زمینی و نیروی هوایی (به ترتیب ۳/۹ میلیارد و ۵/۳ میلیارد دلار) قابل مقایسه است. البته، مشکلات مالی سالهای اخیر می‌توانند در اجرای این برنامه مشکلات معینی ایجاد کنند ولی با این وجود، اجرای این برنامه همچنان ادامه دارد. (۱۹۶۱۸)

در مجموع، روابط نظامی فعلی بین آمریکا و استرالیا توسط کارشناسان آمریکایی به عنوان «همگرایی چندرده‌ای» تعبیر می‌شود که در چارچوب آن آمادگی برای استقرار سریع واحدهای نظامی متحدان تحت فرماندهی واحد آمریکایی پیش‌بینی می‌شود. به عنوان الگوی این گونه روابط پیشنهاد می‌شود مکانیزم تعامل تنگاتنگ دسته‌های جنگنده‌های تاکتیکی اف ۱۸ سپاه تفنگداران دریایی آمریکا و نیروی هوایی استرالیا که باید در موقع معینی از پایگاههای «ایواکونی» (ژاپن) و تیندل (استرالیا) فعالیت کنند، طراحی می‌شود. این همکاری برای هر دو طرف فواید استراتژیکی و عملیاتی - تاکتیکی فراهم کرده و امکان واکنش سریع به چالش‌های ناگهانی را می‌دهد. (۲۰) اگر بحران گسترده‌ای بروز کند، جنگنده‌های سپاه تفنگداران دریایی آمریکا به منطقه مناقشه منتقل خواهند شد که شکاف ایجاد شده در پایگاه «ایواکونی» باید فوراً توسط جنگنده‌های نیروی هوایی استرالیا پر شود.

سیاست برقراری مشارکت با ایالات متحده که در «بررسی راهبردی» وزارت امور خارجه استرالیا در سال ۱۹۹۷ اعلام شده و عرصه فعالیت نیروهای مسلح این کشور را توسعه داد، نهایتاً در کتاب سفید سال ۲۰۰۰ مشخص شد. این دو سند به معنی امتناع از راهبرد سابق نظامی - فنی ساخت «قلعه استرالیا» است. تمایل به افزایش نقش استرالیا در امور تمام منطقه آسیا و اقیانوسیه ابراز شده است. در کتاب سفید سال ۲۰۰۲ آمده است که نیروهای مسلح استرالیا باید از طریق شرکت در ائتلافات بین‌المللی در جهت برطرف کردن بحران‌هایی که خارج از سرزمین ملی استرالیا و در نزدیکی آن بروز می‌کنند، از منافع ملی کشور دفاع کنند. به همین منظور توان

لازم برای اجرای عملیات دریایی «آمفیبی» ایجاد می‌شود.^(۲۱) اما در زمان اخیر گرایش تبدیل تدریجی همگرایی دوجانبه آمریکایی - استرالیایی به ائتلاف سه جانبه با مشارکت ژاپن مشاهده شده است. به گفته ویلیام کوهن، وزیر سابق دفاع ایالات متحده، هر عضو این ائتلاف باید سهم سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را وارد کند. تأمین مالی و سازمانی همگرایی سه جانبه توسعه یافته بین نیروهای هوایی سه کشور به قرار ذیل است:

- ژاپن پایگاه‌های هوایی و زیرساخت مربوطه، کریدور هوایی و سیستم‌های ضروری دیگر را واگذار می‌کند؛

- ایالات متحده زیربنای خدماتی را در داخل پایگاهها تأمین می‌کند؛

- استرالیا در این پایگاهها یک اسکادران جنگنده‌های اف ۱۸ را مستقر می‌کند.

باید تأکید کرد که طرح همگرایی نیروهای هوایی سه کشور می‌تواند اساس همگرایی کلی نظامی - سیاسی ایالات متحده، استرالیا و ژاپن را تشکیل دهد که دربرگیرنده هماهنگی برنامه‌های توسعه و مدرنیزه کردن نیروهای مسلح ملی نیز باشد. با وجود اینکه وولفویتس در همایش سال ۲۰۰۲ سنگاپور وجود این برنامه‌ها را تکذیب می‌کرد، نوع تکذیب این اطلاعات («این کار نه تنها تقریباً امکانپذیر نیست بلکه در مرحله کنونی مطلوب هم نیست») نشان داد که روند تدریجی ایجاد «ناتوی کوچک» در منطقه آسیا و اقیانوسیه، تنها نتیجه خیال پردازی‌های انتزاعی کارشناسان نیست. در هر حال، مقامات چین این برنامه‌های فرضی را جدی گرفته و آنها را به عنوان «خرچنگی که با کمک دو چنگ خود (ژاپن و استرالیا) می‌خواهد از شمال و جنوب چین را در منگنه استراتژیکی بگذارد».

هند «چندجهتی» سیاست امنیتی هند

اصلاح روابط بین هند و آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، یکی از گرایشات مهم جدید توسعه اوضاع منطقه آسیا و اقیانوسیه می‌باشد. به نوشته مجله ایندیا تودی اینترنشنل، این حوادث، نقطه عطفی در روابط نظامی بین آمریکا و هند شده است. روز ۲۲ سپتامبر تحریم

آمریکایی که در سال ۱۹۹۸ معرفی شده و صدور اسلحه به هند و پاکستان را محدود کرده بود، لغو شد. ۵ نوامبر سال ۲۰۰۱ جرج فرناندس وزیر دفاع هند در دهلی از دونالد رامسفلد و کندیلیزا رایس استقبال کرد. در ژانویه سال ۲۰۰۲ اصلاح سریع روابط بین دو کشور به یک امر مسلم مبدل شد. رئیس نهاد نظامی هند از ایالات متحده دیدار به عمل آورد. سخنگوی وزارت دفاع هند در مصاحبه با نشریه مذکور خاطر نشان کرد که «در شرایط یکسان بودن اهداف راهبردی در آسیا و خارج از آسیا، روابط دوجانبه تقویت می‌شود. همکاری ما در زمینه دفاعی به دو کشور اجازه داده است با خطراتی چون گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، مواد مخدر و به‌ویژه تروریسم بین‌المللی مقابله کنند» (۲۲)

تفاهم در مورد مسئولیت مشترک در برابر اوضاع از خلیج فارس تا تنگه مالاکا و ارتقای نقش نیروی دریایی هند در این منطقه به عنوان شریک نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا حاصل شد. به گفته ریادار بازنشسته هیراناندانی، ایالات متحده در اکتبر سال ۲۰۰۱ از هند خواهش کرد در منطقه تنگه مالاکا مشایعت ناوهای مهم آمریکایی (نفتکش‌ها و کشتی‌های باری حامل مهمات) را در حرکت آنها به سوی اقیانوس هند جهت تأمین عملیات جنگی در افغانستان، عملی کند. نیروی دریایی هند تا سپتامبر سال ۲۰۰۲ این وظیفه را انجام می‌داد. (۲۳ و ۲۴)

نتایج دیدارهای متقابل وزیران دفاع هند و ایالات متحده در جلسه کابینه وزیران هند بررسی و تأیید شد. این دیدارها به عنوان گام اول در جهت از سرگیری روند تبادل تجهیزات نظامی، ساخت مشترک جنگ‌افزار و خرید سلاح‌های آمریکایی در چارچوب توافقاتی که قبل از تحریم سال ۱۹۹۸ منعقد شده بودند، تلقی شد. در سپتامبر سال ۲۰۰۳ در جریان ملاقات واجپایی نخست وزیر هند با جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در نیویورک، چارچوب‌های همکاری دوجانبه در زمینه پدافند ضد موشکی و از جمله امکان خرید سیستم ضد هوایی پاتریوت و مدل جدید سیستم اسرایلی آرو - ۲ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. (۲۵) روند برقراری سریع روابط آمریکایی - هندی نه تنها در سطح رسمی بلکه در سطح دیدارهای خصوصی و ملاقات‌های سیاستمداران معتبری که تازه استعفا کرده بودند، گسترش می‌یافت. (۲۶)

به تاریخ ۲۲-۲۰ ژانویه سال ۲۰۰۲ در دهلی به ابتکار مجه ایندیا تودی اینترشنل همایش هند بعد از سال ۲۰۰۲: شرایط مناسب و چالش‌ها برگزار شد که آلبرت گور معاون سابق رئیس جمهور آمریکا در آن شرکت کرد. وی در سخنان خود تأکید کرد که اکنون شرایط فوق‌العاده مناسبی برای برطرف کردن گذشته منفی بین دو کشور فراهم شده است. به گفته وی، هند قدرت جهانی در حال رشد است که یکی از مهمترین بازیگران صحنه بین‌المللی خواهد شد. ب.ورما ناشر مجله India Defense Review ضمن ارزیابی برخورد کنونی ایالات متحده با هند، اظهار عقیده کرد که واشنگتن در شرایط رشد ضدیت با آمریکا در جهان اسلام و رویارویی چین با آمریکا، بایستی صبری تمام به تشکیل ائتلاف چندلایه راهبردی با هند جهت دفاع از منافع عمومی خود در آسیا پرداخته است. (۲۷)

در مورد انگیزه‌های هند برای نزدیکی روابط با ایالات متحده و کشورهای اصلی دیگر غرب می‌توان گفت که دو عامل اساسی در این زمینه سهیم بوده است. عامل اول: کاهش شدید نقش و وزن روسیه در امور جهانی بعد از فروپاشی اتحاد شوروی است که طی دهه‌ها سال نقش تکیه‌گاه اصلی خارجی هند را بازی می‌کرد. عامل دوم: با رشد تشنجات در مثلث استراتژیکی هند - پاکستان - چین ارتباط دارد. اواخر سالهای ۱۹۹۰ اوضاع این مثل به‌ویژه خطرناک شد زیرا نه تنها چین که از قبل به عنوان قدرت هسته‌ای شناخته شده بود، بلکه هند و پاکستان نیز در عمل به قدرتهای هسته‌ای مبدل شده‌اند. ب.ورما اوضاع پیرامون کشور خود را برای تأمین امنیت هند بسیار نامناسب می‌داند زیرا هند، آسیب‌پذیرترین قسمت مثلث مذکور را تشکیل می‌دهد. علتش این است که دو شریک راهبردی آن اهداف دارای ابعاد گوناگون را دنبال می‌کنند. در حالی که پاکستان می‌خواهد به موازنه نظامی با هند دست یابد، چین (به عقیده ورما) مایل است به یکی از قدرت‌های اساسی جهان و سلطه‌گر قاره آسیا تبدیل شود و به همین دلیل به منظور جلوگیری از رسیدن هند به برابری استراتژیکی با خود، بین دهلی و اسلام‌آباد تفرقه می‌اندازد. جالب توجه است که مضامینی با همین مضمون (ولو عاری از قاطعیت) در همایش‌های مشترک هندی - چینی نیز توسط

کارشناسان معتبر بیان می‌شوند. گزارش‌های طرف چینی در این همیاش‌ها همیشه آشتی‌آمیز است.^(۲۸) بدون اینکه به بررسی مستدل بودن نگرانی‌های هند از سیاست چین بپردازیم، فقط به اشاره به این نگرانی‌ها در حال حاضر و احتمال حفظ آنها در آینده بسنده می‌کنیم. این نگرانی‌ها محتوای یکی از سه جنبه اساسی دیدگاه نخبگان هندی درباره راهکارهای تأمین امنیت ملی و بخصوص جنبه نظامی آن که اواخر سالهای ۱۹۹۰ شکل گرفت، تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال، ب.راماتن، مدیر مؤسسه مطالعه مسایل جاری که قبلاً سمت بالای دولتی داشت، تأکید کرد که مرحله فعلی روابط رمانتیک برادرانه با کشورهای همسایه مانع از تفکر استراتژیک و اتخاذ تصمیمات سیاسی می‌شود.^(۲۹) طی دو سال اخیر رهبران هر دو کشور تلاش کرده‌اند موجبات تشنج‌زدایی را فراهم کنند که ملاقات‌های سران کشورها و رزمایش نیروی دریایی مشترک که در دست برنامه‌ریزی است، بر این واقعیت‌گواهی دارد.

ولی در بلند مدت، این روابط بیش از پیش تحت تأثیر «تفکر جدید استراتژیکی» قرار خواهد گرفت. برای مثال، کارشناسان اعتقاد دارند که توسعه نیروهای هسته‌ای هند هدف ضدچینی را دنبال می‌کند که ریاست دولت هند منکر این واقعیت نمی‌شود.^(۳۰) طبق برآوردهای تحلیلگران «مرکز اطلاعات مجازی» (که با فرماندهی نیروهای آمریکایی در اقیانوس آرام همکاری می‌کند)، شورای فرماندهی هسته‌ای و فرماندهی نیروهای استراتژیکی که اخیراً توسط هند تشکیل شده‌اند، هم‌اکنون از دهها عدد مهمات هسته‌ای برخوردارند.^(۳۱ و ۳۲) موشک‌های «آگنی - ۱» و جنگنده‌های شکاری چندمنظوره، نقش وسایل حمل‌کننده آنها را بازی می‌کنند. باکمک موشک‌های آگنی - ۲ و بخصوص آگنی - ۳ که طراحی آنها تکمیل می‌شود، همه اهداف واقع در خاک چین در شعاع ضربه نیروهای استراتژیکی هند قرار خواهند گرفت.

پاکستان، هدفی جانبی ولی مهم است. به گفته ب.ورما، پاکستان از زمان تشکیل دو دولت مستقل در شبه‌قاره هندوستان، تماماً در رویارویی با هند تمرکز کرده است. همین ارزیابی روابط هندی - پاکستانی، محتوای جنبه دوم مسئله تأمین امنیت هند را تشکیل می‌دهد. مناقشه جنگی با پاکستان در منطقه کوهستان «کارگیل» که در تابستان سال ۱۹۹۹ رخ داد،

نواقص سازمانی و فنی نیروهای مسلح و کوتاهی‌های ادارۀ دولتهای نهادهای نظامی کشور را برملا ساخت که این امر موجب نگرانی ریاست هند گردید.

از آن زمان «انتقاد از خود» فروکش نکرده است.^(۳۳) در واقع، این انتقادات به ابتکار «کمیسیون کارگیل» شروع شد که طی چند ماه بعد از پایان مناقشه در هیمالیا، نتایج آن را بررسی می‌کرد. به منظور ارزیابی نتیجه‌گیری شدید این کمیسیون و بررسی اوضاع امنیت کشور، در آوریل سال ۲۰۰۰ به دستور نخست‌وزیر، گروه وزیران ارشد (وزیران دفاع، کشور و امور خارجه و دارایی) تشکیل شد که به بررسی چهار جنبه اساسی امنیت کشور پرداخت یعنی کیفیت کار سازمان اطلاعات، امنیت داخلی، پاسداری از مرزها و دفاع.

فعالیت این گروه که ابتدا برای ۶ ماه برنامه‌ریزی شده بود، تا فوریه سال ۲۰۰۱ ادامه یافت و به انتشار گزارشی تحت عنوان «بازسازی سیستم ملی امنیت» انجامید. این سند با حذفیات معینی منتشر شد. مؤلفان گزارش از نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادهای کمیسیون کارگیل حمایت کردند و به ناکامل بودن همکاری بین نهادها و سرویس‌ها، عدم تجهیز لازم سرویس‌های اطلاعاتی و استفاده ضعیف از اطلاعاتی که آنها فراهم می‌کنند و نیز ضرورت تشکیل ارگان واحدی که همه مسایل مربوط به امنیت ملی را بررسی کند، اعتراف کردند. این سند اساسی در زمینه روند توسعه نظامی کشور است که در آن بر تکمیل نیروی دریایی تأکید خاصی به عمل آمد. علت ارجحیت توسعه نیروی دریایی هند با جنبه سوم تأمین امنیت ملی ارتباط دارد و آن کنترل انتقال مواد انرژی‌زا از خلیج فارس، از طریق تنگه مالاکا است. فرماندهان نیروی دریایی هند صریحاً اعلام می‌کنند که در آینده، منطقه مسئولیت هند می‌تواند تا دریایی جنوبی چین گسترش یابد. این پاسخ استراتژیکی هند به کمک چین به مدرنیزه کردن بندر پاکستان «گوادر» و تلاشهای زیردریایی‌های چینی برای نفوذ در اقیانوس هند خواهد بود.

اوایل سال ۲۰۰۱ جرج فرناندز وزیر دفاع هند ضمن اشاره به «اعترافات تکان‌دهنده گزارش مذکور مبنی بر اینکه ۷/۵ هزار کیلومتر مرزهای دریایی طی ۵۰ سال استقلال توسط ریاست کشور در نظر گرفته نشده بود»، بر اهمیت تعیین‌کننده اقیانوس هند برای تأمین منافع

این کشور تأکید کرد. (۳۴) در ماه مه سال ۲۰۰۳ در یابند م. سینگ، فرمانده نیروی دریایی هند، طی مصاحبه‌ای با هفته‌نامه جیتز دینفس ویکلی اظهار داشت که تا سال ۲۰۱۵ نیروی دریایی هند به «مؤثرترین نیرو در اقیانوس هند مبدل خواهد شد». (۳۵)

سه گروه ناوهای هواپیمابر، اساس نیروی دریایی آینده هند را تشکیل خواهند داد. در چارچوب یکی از برنامه‌های محرمانه، زیردریایی‌های اتمی چندمنظوره طراحی می‌شوند. تشکیل تنها فرماندهی متحد نیروهای مسلح هند تحت عنوان «آندامان و نیکوبار» (به نام مجمع‌الجزایر هندی واقع در ۵/۱ هزار کیلومتری ساحل شرقی این کشور و در نزدیکی تنگه مالاکا)، نشان‌دهنده اهمیت کنترل این قسمت اقیانوس هند است.

تحولات مهمی در سیاست نظامی و صنعتی هند نیز شایان توجه است. به گفته کارشناسان، از اواخر سال ۲۰۰۱ «دولت این صنایع را برای کمپانی‌های خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی باز کرد». به گفته آتال کرلوسکار، رئیس کمیته ملی صنایع دفاعی، این امر موجب رشد بخش خصوصی صنایع دفاعی هند که فعلاً دوران طفولیت را طی می‌کند، خواهد شد. (۳۶) ولی نمایندگان رسمی وزارت دفاع و کارشناسان هندی اعتراف می‌کنند که واکنش متقابل از سوی شرکتهای خصوصی هند فعلاً بسیار ضعیف است. دولت راهی جز دعوت تولیدکنندگان خارجی جنگ‌افزار برای راه‌اندازی تولید بعضی قطعات همراه با شرکتهای داخلی ندارد. احتمال می‌رود بخشی از ظرفیتهای تولیدی هند به شرکتهای خارجی فروخته شود. کمپانی‌های دفاعی اروپایی در جواب به این پیشنهادها آمادگی خود را برای فعالیت در هند ابراز کرده و فعلاً منتظر توضیحات درباره جزئیات مهم وضعیت جدید هستند.

این‌گرایش جدید در راستای خط کلی «متنوع کردن» منابع خارجی خرید جنگ‌افزار و فن‌آوری‌های تولیدی نظامی قرار دارد. با وجود اینکه روسیه فعلاً مواضع برتر خود را در این بازار حفظ کرده است، همکاری نظامی - فنی هند با اسرائیل با سرعت تمام توسعه می‌یابد. فروشهای نظامی سالانه اسرائیل که عمدتاً فرآورده‌های مبتنی بر فن‌آوری‌های بالا را در بر می‌گیرد، برابر حدود ۲۰۰ میلیون دلار است. در جریان مذاکرات دوجانبه تابستان سال ۲۰۰۱ از طرف هند

فهرست فرآورده‌های نظامی معادل ۳ میلیارد دلار به نمایندگان اسرائیل واگذار شد. بیش از یک سال بعد در جریان سفر هیأت نمایندگی اسرائیل به ریاست آریل شارون نخست وزیر به هند، معامله برابر ۵ میلیارد دلار مورد بحث و بررسی قرار گرفت.^(۳۷) طبق پیش‌بینی‌های اخیر، سهم اسرائیل در بازار هند تا سال ۲۰۱۰ می‌تواند به ۷۵٪ برسد و حجم سالانه فروش‌ها بالغ بر ۲ میلیارد دلار خواهد شد. البته، همکاری نظامی - فنی هند با اسرائیل می‌تواند به‌خاطر روابط هند با ایران دچار اختلال شود.

یک نکته اصولاً جدید در روابط نظامی - فنی هند، این بود که در تابستان سال ۲۰۰۲ نمایندگان هند به بررسی مقدماتی مواضع اسرائیل و ایالات متحده آمریکا در مورد احتمال فروش سیستم ضد هوایی اسرائیل Arrow-2 به هند پرداختند. مقامات نهادهای دفاعی هند و اسرائیل در ژوئن سال ۲۰۰۲ درباره خرید این سیستم مذاکرات مقدماتی به عمل آوردند. ولی با توجه به اینکه در این سیستم از منابع مالی و تکنولوژیک ایالات متحده استفاده شده است، برای فروش آن به کشورهای ثالث موافقت ایالات متحده لازم است. با وجود اینکه ب.میشرا مشاور هندی مسایل امنیت و کالین پاول وزیر سابق امور خارجه آمریکا در این مورد گفتگوی مقدماتی داشتند، سفارت آمریکا در هند اعلام کرد که این معامله مشمول قرارداد MTCR است که اسرائیل عضو آن می‌باشد ولی هند عضو آن نیست. لذا در ماه اوت سال ۲۰۰۲ نمایندگان شرکت اسرائیلی IAI که سیستم ضد موشکی مذکور را طراحی می‌کند، از گفتگو درباره این «موضوع حساس» خودداری کردند. با این حال، هند در سال ۲۰۰۳ هم از تلاش‌های خود برای خرید این سیستم ضد موشکی و سیستم ضد موشکی آمریکایی «پاتریوت» دست نکشید.

پیشرفت سریع در همکاری نظامی - فنی هند با بریتانیا و فرانسه نیز مشاهده می‌شود. تصمیم دولت هند مبنی بر خرید ۶۶ فروند جنگنده شکاری آموزشی و رزمی Hawk سال شرکت BAE Systems به یکی از بزرگترین معاملات در این زمینه مبدل شده است (۱/۷ میلیارد دلار). ۴۲ فروند هواپیما از این تعداد بر اساس پروانه فنی توسط شرکت HAL هند تولید خواهند شد.^(۳۸) در حال حاضر مذاکرات با فرانسه درباره خرید پروانه تولید جنگنده شکاری

چندمنظوره «میراژ - ۲۰۰۰ - ۵» و ۶ دستگاه زیردریایی دیزل برقی Scorpene در جریان است.^(۳۹) باید افزود که اصلاح «متنوع کردن» که اواخر سال ۲۰۰۱ در سطح رسمی در رابطه با همکاری نظامی - فنی هند با کشورهای دیگر معرفی شد، به همه زمینه‌های تأمین امنیت ملی این کشور قابل اطلاق است.

مشکلات در زمینه برقراری نظام جدید مناسبات در منطقه آسیا و اقیانوسیه، وجود چندمنطقه «داغ» (افغانستان، اندونزی، فیلیپین و کشمیر)، جنبه‌های حساس در روابط دوجانبه بین بازیگران اصلی این منطقه و اهمیت بالای بازی‌ای که شروع می‌شود، گرایش پایدار افزایش وزن نسبی امور نظامی در تأمین منافع ملی کشورهای منطقه را به وجود آورده است. رشد بی‌سابقه بودجه نظامی کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه (در مقایسه با مناطق دیگر جهان؛ به استثنای هند) و نحوه توسعه نظامی که باید به بازیگران اساسی امکان توسل به زور در خارج از مرزهای ملی، در مناطقی که برای همه آنها اهمیت دارند، را بدهد، بر این واقعیت گواهی دارد.

یادداشت‌ها

۱. مجموعه مقالات «سیاست در قرن بیست و یکم: چالش‌ها و واقعیات»، شماره ۱، سال ۲۰۰۴، ترخوف، پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات راهبردی روسیه.

۲. خبرگزاری «ریانوستی»، ۲۰ اکتبر ۲۰۰۳

Annual Report on the Military Power of the People's Republic of China/office of the Secretary of Defense, 2002, p.56.

3. Lin L. International Geostrategic Situation and China's Choices/China Institute of Contemporary International Relations, 2002, No.4, p.2-19.

4. Qunlan J.P. Ties That Bind/Foreign Affairs, 2002, July-August, p.116-126.

5. Defense News, 2002, June 17, p.14.

6. *Ibid.*, June 3-9, p.10.
7. Japan's Goals in 21st Century/http://www1.kautei.go.jp/foreign/policy.html.
8. Funabashi Y. Japan's Moment of Truth/Survival, 2000, Winter, p.73-83.
9. Duke E.S. Japan's Constitution, Prospects for Change: Impact on U.S. Presence in Japan/Naval Postgraduate School, 2001, June, p.109.
10. Heginbotham E., Samuels R. J. Japan's Dual Hedge/Foreign Affairs, 2002, September, October, p.110-121.
11. Midford P. The logic of Reassurance and Japan's Grand Strategy/Security Studies, Spring 2002, V.11, No.3, p.1-43.
12. Rozman G. Japan's Quest for Great Power Identity/Orbis, Winter, 2002, p.73-91.
13. Lemco J., MacDonald S.B. Sino - Japanese Relations: Competition and Cooperation/Current History, 2002, September, No.656-p.290-293.
14. Signal, 2002, April, p.69.
15. Cotton J. Against the Grain: The East Timor Intervention/Survival, Spring 2001, V.43, No.1, p.127-142.
16. Defense News, 2002, August 5-11, p.22.
17. Evans M. Australia and the Quest for the Knowledge Edge/Joint Force Quarterly, Spring 2002, p.41-51.
18. Jane's Defense Weekly, 2002, October 9, p.13.
19. *Ibid.*, 2003, August, p.15.
20. Defense and Security Analysis, 2002, V.18, No.1, p.39-49.
21. Defense Week, 2002, July 22, p.10.
22. India Today International, 2002, January 28, p.20.

23. Chengli F. China and India: no Threat to Each Other / Indian Defense Review, 2000, October, December, p.29.
24. Aerospace Daily, 2003, October, December, p.29.
25. India Today International, 2002, February , p.18-20.
26. Indian Defense Review, 2002, April-June, p.5.
27. Verma B. Conflict of the Middle Kingdom ^ China Will Fight India to the Last Pakistan!/Indian Defense Review, 2000, October December, p.7.
28. Indian Defense Review, 2003, April _ June, p.108.
29. Jane's Defense Weekly, 2003, May 14, p.6.
30. Virtual Information Center, 2002, May 11.
31. *Ibid.*, 2003, September 11.
32. Bedi R. Divided Interest/ Jane's Defense Weekly, 2003, May 21, p.18-24.
33. Fernandes G. Maritime Dimension of India Security/ Indian Defense Review, 2001, p.53-54.
34. Jane's Defense weekly, 2003, May 21, p.32.
35. Defense News, 2002, July 22-28, p.50.
36. Aerospace Daily, 2003, September 11, p.5.
37. Defense News, 2002, August, 5-11, p.18.
38. Aerospace Daily, 2003, September 8, p.6.
39. Defense News, 2003, August 4, p.3.